۴ فیلم ایرانی در بازار «کن»

گروه ادب و هنر: چهار فیلم ایرانی «ایستاده در غبار»، «بادیگارد»، «فهرست مقدس» و «هیهات» در بازار جهانی جشنواره فیلم کن حضور خواهند داشت. مذاکرات لازم برای توزیع و فروش این فیلم‌ها از پیش انجام شـده و قرار اسـت این آثار در بازار جهانی به خریداران سینمایی معرفی شوند. یکی از هدف‌گذاری‌های سازمان سینمایی حضور در بخش‌های منطقه‌ای و جهانی بازارهای جهانی فیلم است که یکی از معتبرترین آنها جشنواره کن است. در این راستا این چهار فیلم ایرانی برای حضور در این جشـنواره انتخاب شده‌اند. ۲۱ اردیبهشت جشنواره کن با فیلم «کافه سوسایتی» وودی آلن افتتاح می‌شود و به مدت ۱۱ روز ادامه خواهد داشت.

یادداشت

نگاهی به رمان «گود» نوشته مهدی افشارنیک

حدیث بردار کردن مردگان

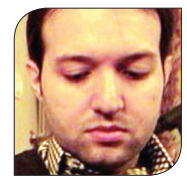

داوود آتش‌بیک
داستان‌نویس

ادبیات عامه‌پسـند شـاخه‌ای از ادبیات اسـت که در مقابل ادبیات اندیشه‌ورز قرار می‌گیرد و همان‌طور که از عنوانش هم پیداسـت، سرگرم‌کننده است و قاعدتا نگاهش به تیراژ اسـت و به‌شدت مخاطب‌محور. این شـاخه از ادبیات علاوه‌بر کشـش و جذابیت داستانی دارای مولفه‌هـای دیگری هم هسـت کـه می‌توان به سـادگی آنها را کنار هم ردیف کرد و برشمرد: جهان داسـتان‌های عامه‌پسـند عمدتا دوقطبی است؛ خیر و شـر دائما در نزاعند. شخصیت‌ها تختند و به یکی از دو طرف نزاع یعنی خیر و شـر تعلق دارند. مسـاله آدم‌ها پول، قدرت یا زن است. قصه، ریتم پرشتابی دارد و داستان با سرعت پیش می‌رود و مخاطب بیشتر از آنکه توجهی به علت‌ها و ریشه‌های حوادث داشته باشد، تشنه و نگران ادامه ماجراست و نویسنده هم اهمیتی به چرایی حوادث نمی‌دهد و به سرعت به ادامه قصه‌گویی‌اش می‌پردازد و درنهایت هم به یک جمع‌بندی اخلاقی، یک نصیحت سـاده می‌رسد. نویسنده نه دنبال ایجاد پرسش است و نه سعی دارد باورهای مخاطب را به چالش بکشد؛ او صرفا باورهای عمومی و فرهنگ رسمی را مهر تایید می‌زند و مخاطب هم به‌خاطر همین مهر تایید نویسنده بر دانسته‌ها و باورهای پیشینش احساس رضایت می‌کند و از شنیدن پندی به اصطلاح اخلاقی ناخودآگاه کیفور می‌شود. به همین‌خاطر می‌توان رمان عامه‌پسند را کم‌اهمیت دانست، چراکه بی‌خطر است و تاثیر ماندگاری ندارد و خیلی زود از یادها می‌رود. «گود» نوشـته مهدی افشـارنیک رمانی است به اصطلاح تاریخی که تلاش می‌کند زندگی سه نسل از ساکنان تهران را روایت کند؛ بخش عمده‌ای از رمان سـال‌های ۴۲ تا ۸۸ را به تصویر می‌کشد. تمرکز افشارنیک بر بازارچه‌ای قدیمی است که انگار قلب فرهنگ تهران سنتی است. رمان با ریتمی تند و پرشتاب پیش می‌رود؛ حوادث بی‌هیچ تعللی پشت‌سر هم ردیف می‌شوند و ماجراهای تکان‌دهنده و پرهیجان یکی پس از دیگری به دنبال هم می‌آیند و باعث می‌شوند خواننده نتواند کتاب را به سادگی رها کند؛ داستان‌هایی از جنگ، انقلاب، سازمان‌های انقلابی، بازارچه سنتی، گروگانگیری و ترور... با این‌حال، نمی‌توان گود را درنهایت رمانی تاریخی دانسـت. گود رمانی اسـت عامه‌پسند و اتفاقا برخلاف ظاهرش هیچ ربطی به تاریخ ندارد؛ تاریخ تنها بستری است برای نویسنده تا به یک جمع‌بندی و پیام مشـخص اخلاقی سیاسی برسد؛ پیامی که تفاوتی با باور و تلقی عمومی و روایت مسلط از تاریخ معاصر ندارد. حتی اسـتعاره سقف بازارچه که روبه فروپاشی اسـت و بوی گند گود و زورخانه، همه و همه پیام‌های واضح سیاسـی دارند و حامل همـان معنای موردنظر نویسنده‌اند که به زور توسط او به رمان چپانده می‌شـود؛ افشارنیک هیچ علاقـه‌ای به موشـکافی، تامل و مکث در حوادث تاریخی ندارد. موسی خیابانی، تقی شهرام و... اسامی بی‌روح و جانی هسـتند که تنها صحنه را برای صحنه‌گردان، یعنی آقای نویسنده آماده می‌کنند؛ مردگانی که اجسادشـان برای مرگی مجدد احضار می‌شوند تا نویسنده در خلال این نمایش، پیام‌های سرراست اخلاقی و سیاسـی خودش را به خورد خواننده بدهد. «گود» تمامی ویژگی‌های یک رمان عامه‌پسند را دارد. در گود جهان به دو جبهه خیر و شر تقسیم می‌شود. آدم‌ها یا خوبند یا بد. یا در جبهه حقند یا باطل. یا ساواکی و مجاهدند یا مهربان و ایثارگر. مورد عجیب و پیچیده تقی شهرام به نزاعی بر سر زن و قدرت فروکاسته می‌شود. نویسنده به دنبال ریشه‌یابی و یافتن علل درگیری‌های درون‌سازمانی پیش از انقلاب نیست. فقط حوادث تاریخی را بی‌هیچ تخیل و دستبردی به تصویر می‌کشد، به آن بار دراماتیک می‌بخشد، سپس در رابطه با آن موضع‌گیری می‌کند و می‌گذرد. نویسنده حتی حوصله شنیدن حرف‌های شخصیت‌های منفی خودش را ندارد و ما به درستی نمی‌فهمیم که برای مثال حرف حساب «مریم» چیست؟ نویسنده کل خواهش‌های او را فرومی‌کاهد به حس سرخوردگی و عقده دیده نشدن توسط اطرافیانش. نه‌فقط همین مورد، اساسا هیچ کجای تاریخ مساله نویسنده نیست تا شکافته و فهمیده شود. نه خانم رئیس‌های پیش از انقلاب، نه سـاواکی‌های شیاد و نه مامورانی که از ظفار تلویزیون سـونی قاچاق می‌کردند، نه انقلاب، نه ماجراهای سیاسـی مرتبط با اول انقلاب و ترورها و درگیری‌ها، نه عملیات مرصاد نه... نه. هیچ ماجرایی شـکافته و فهمیده نمی‌شود. روایت می‌شود، آن هم به سرسری‌ترین شکل ممکن تا درنهایت به جمع‌بندی اخلاقی-سیاسی نویسنده که همان فروریختن سقف بازارچه سنتی است، برسـد. نه به نثر ضعیف و نه به زبان محاوره و بی‌ربط رمان نمی‌توان اشکالی وارد دانست، چراکه اساسا برای رمان عامه‌پسند، ادبیت و ظرافت‌های هنری فاقد اهمیت است و قاعدتا گود هم خالی از هرگونه ادبیت است. بنابراین پرداختن به شلخته‌بودن روایت و بدبودن زبان روایت، تنها از این منظر می‌تواند اهمیت داشته باشد که برای خواننده این حد از شلختگی و درهم‌ریختگی می‌تواند آزاردهنده باشد و شاید اگر افشارنیک با حوصله و دقت بیشتری گود را می‌نوشت یا دست‌کم ویراستار سختگیر و باحوصله‌ای داشت، الان به جای چاپ دوم، به چاپ‌های بیشتری رفته بود.

گود

نویسنده: مهدی افشارنیک
ناشر: چشمه

نشست

نشستی برای فیلم «هشت نفرت‌انگیز»

گروه ادب و هنر: شـنبه ۲۵ اردیبهشـت ساعت پنـج بعدازظهر، آخرین فیلم کوئنتین تارانتینو به نام «هشت نفرت‌انگیز» توسط دو منتقد سینمای ایران شاهپور عظیمی و محمد گذرآبادی تحلیل و بررسی خواهد شد. این نشست به فیلمنامه این اثر می‌پردازد. هر دو کارشناس در زمینه فیلمنامه کتاب‌ها و مقالات گوناگونی را به رشته تحریر درآورده‌اند. محل برگزاری این جلسه مجتمع فرهنگی امام رضا(ع) به آدرس خیابان انقلاب، نبش نامجو اسـت. نکته جالب دیگر این نشسـت عرضه آثار ترجمه و تالیفی محمد گذرآبادی و شـاهپور عظیمی اسـت. کوئنتین تارانتینو را از متخصصان تغییر و واکاوی در ژانرهای کلاسیک سینما می‌دانند. او توانسته است فضایی متفاوت را در آثار خود به تصویر بکشد که علاوه‌بر سیاست مراسم اسکار بر جشنواره کن هم تاثیر گذاشـته است. فیلم «داستان‌های عامه‌پسند» توانسته است جایزه اصلی جشنواره کن را در کنار فیلم «طعم گیلاس» عباس کیارستمی به دست آورد.

گـزارش اول

برندگان خوشبخت جشنواره «بفتا» معرفی شدند

مارک رایلس انگلیسی یک جایزه دیگر ربود

گروه ادب و هنر: مراسـم اعطای مهم‌ترین جوایز سـینمایی و تلویزیونـی انگلسـتان «بفتـا» در بخش سـریال و برنامه‌هـای تلویزیونی برگزار شـد و مارک رایلس، بازیگر باسـابقه انگلیسی که پیش از این توانسـته بود یک جایزه اسکار را به خانه ببرد، توانسـت بار دیگر بدرخشـد و جایزه بازیگری بفتا را دریافت کند. سـریال اقتباسـی «تـالار گرگ‌هـا» با بازی درخشـان مـارک رایلس از جمله آثاری بود که در شـب برگـزاری توانسـت نگاه‌ها را بـه خود جلب کند و جوایز بسـیاری دریافت کند. این سریال توانسـت بهترین اثـر درام بفتا شـود و جایزه اصلی را متعلق به خـود کند. بهترین نقل قول نمایش‌هـای تلویزیونی بفتا نیز متعلق به مارک رایلـس بـود. او در نقش خـود می‌گفت: «نه بگـو به چرندیات ترسـناک!» مارک رایلس که پیش از این در فیلم «پل جاسـوس‌ها» استیون اسـپیلبرگ بازی چشـمگیری داشت، توانست رقبای بزرگ خود را مانند آیدریس آلبا، استفان گراهام و بن ویشـاو کنار بزند. میشلا کوئل در بخش بازیگری سریال‌های کمدی نیز توانست جایزه اصلی بازیگـری زنان را از آن خود کند و پیتر کـی در بخش مردان موفـق به دریافت جایزه شـد. سریال انگلیسی «شفاف» در بخش بین‌المللی توانست رقبای قدر خود مانند «یک همسـر خوب»، «بی‌حسی» و «مارپیچ» را پشت سر بگذارد. تام کورتنی از جمله بازیگران شب بفتا بود که توانست بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شود. شانل کرسوال نیز در بخش زنان این جایزه را ربود. همچنین سـریال «انگلیسی دهه ۹۰» در بخش بازیگری و کارگردانی موردپسند داوران و مخاطبـان قـرار گرفـت و یکـی از برندگان اصلی بفتا شـد. در بخش مسـتند نیز فیلم «پسـر جهادی من» جایزه اول را تصاحب کرد و در بخش آثار سرگرمی نیز «برایت خبری دارم؟» بیشترین آرا را آورد. آکادمی ارائه دهنده جایـزه بفتا از سـال ۱۹۴۷ کار خود را شـروع کرد که یکی از بزرگ‌ترین بنیانگذاران آن دیوید لین اسـت. در سال ۱۹۵۸ این آکادمی با صنف تهیه‌کننـدگان و کارگردانـان تلویزیـون ادغام شـد و سـال ۱۹۷۶ آکادمی هنرهای سینمایی و تلویزیونی بریتانیا به این نحو شـکل گرفت. جایـزه بفتا در دو بخش «فیلـم» و «تلویزیون» برگزار می‌شـود که جایزه هر دو بخش بسـیار معتبر و تاثیرگذار هستند.

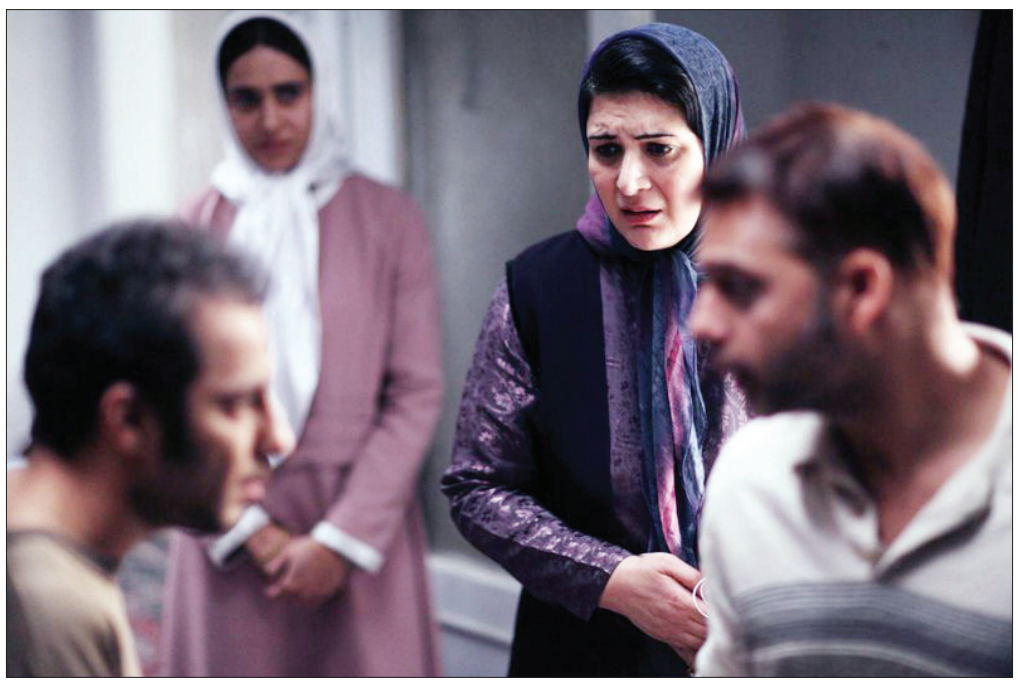

ریما رامین‌فر در فیلم «ابد و یک روز»

گفت‌وگو با ریما رامین‌فر به بهانه حضور در فیلم «ابد و یک روز»

تلخ است ولی سیاه‌نمایی نیست

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

ریما رامین‌فر از سال ۷۱ در رشته تئاتر وارد دانشـگاه آزاد اسـلامی و از همان زمـان درگیـر کار تئاتر شـد. در همان سال‌ها اولین نمایشـنامه‌اش را با نام «پس تا فردا» نوشـت که در جشـنواره تئاتر جایزه سـوم نمایشنامه‌نویسی را از آن خـود کـرد. او همچنیـن یکی از فیلمنامه‌نویسان سـریال پرمخاطب «بدون شـرح» بود و بعد از آن در سریال «من مسـتاجرم» بازی کـرد. رامین‌فر کارش را در سینما با فیلم «نان، عشق، موتور۱۰۰۰» آغاز کرد. در سال‌های اخیر حضـورش در سـینما پررنگ‌تر شـده اسـت. از جمله فیلم‌هایی کـه او اخیرا در آن بازی کرده است می‌توان به «ابد و یـک روز»، «زاپاس»، «مرگ ماهی» و «سـیزده» اشاره کرد. اما اوج کاری این بازیگر حضور در سـریال «پایتخت» در نقـش هما بود. بـا او دربـاره فیلم «ابد و یـک روز» و حاشـیه‌های آن و البتـه تلویزیون به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

به نظر می‌رسـد فیلمنامـه «ابد و یک روز» چنـد قـدم جلوتـر از کارگردانی است. نظر شما در این مورد چیست؟

فیلمنامه برایم خیلـی جالب بود. وقتی آن را خوانـدم، متوجـه شـدم یک نفر چقدر وقت صـرف کرده، چقدر انرژی گذاشته، چقدر جزئیات را در نظر گرفته، چقدر تحقیـق کرده و چقدر با موضوع آشناست و...؛ همه اینها در فیلمنامه بود. وقتی فیلمنامه را خواندم باورم نشد یک پسر جوان آن را نوشته است، ولی حرف شـما را قبول دارم؛ یعنی فکرش را هم نمی‌کـردم تا این میـزان کارگردانی بلد باشد، این همه تصویر را بشناسد، دکوپاژ بداند و هدایت بازیگر بلد باشـد. به هر حال در همه زمینه‌ها خیلی بااستعداد بود. به او تبریک می‌گویم و حتما آینده خوبی خواهد داشت.

تحلیل‌تان از نقش شـهناز کـه در این فیلم داشتید، چه بود؟

خانواده این شخص کاملا معلوم است از چه قشری است. شهناز دختر بزرگ خانواده است که ازدواج کرده و از این خانه رفته اسـت، ولی باز هم از اینکه از خانـواده‌اش دور اسـت و خارج از شهر زندگی می‌کند عذاب می‌کشد و دلش می‌خواهد پیـش آنها باشـد. بـا همه کاسـتی‌ها و مشکلات در واقـع می‌گویـد خواهر و برادرش را دوسـت دارد و پسـری دارد که سـن بلوغ را پشـت سـر می‌گذارد و از پـس زندگـی خودش هم برنمی‌آید. اصولا روی کانون خانـواده، دایی‌ها و خاله‌هـا و روی همه اینها خیلی حساب می‌کند.

> فیلمنامه برایم خیلی جالب بود. وقتی آن را خواندم متوجه شدم یک نفر چقدر وقت صرف کرده، چقدر انرژی گذاشته چقدر جزئیات را در نظر گرفته چقدر تحقیق کرده و چقدر با موضوع آشناست

از جـواب سـوال اول‌تـان فهمیـدم شـما روی فیلمنامـه تاکید بیشتری دارید تا کارگردانی.

فکـر می‌کنـم همـه چیز عالـی بود؛ مخصوصـا انتخـاب بازیگـر. حتـی کارگـردان اصـرار داشـت چیزهای کوچکی را که در فیلمنامه به آنها اشاره شده، رعایت کنیم.

بـه نظـر می‌رسـد خیلـی بـا فکـر و اندیشـه نقش‌هایتـان را انتخـاب می‌کنیـد. مثلا در تلویزیون فقط با سـیروس مقـدم کار کرده‌ایـد. می‌خواهیـم بدانیـم چطـور بـه کارگـردان جوانی مثل سعید روستایی اعتماد کردید؟

سـعید ملـکان مدت مدیـدی اسـت کـه با گروه‌هـای خوبی کار می‌کند و کارهای خوبی می‌سـازد. فیلمنامـه را سـعید ملـکان برایم فرسـتاد و درباره سعید روستایی گفت فیلم‌های کوتاهش خیلی فوق‌العاده اسـت و جایزه برده و اگر می‌خواهید فیلم‌هـای کوتاهش را ببینید، بعد فیلمنامه را بخوانید. ولی در کل در دو تا سـه سال گذشته فیلم‌اولی یک جوری ارزش محسـوب می‌شود. آنقـدر جوان‌ها خوب وارد ایـن حـوزه شـده‌اند کـه وقتـی به ما پیشـنهاد بازی می‌دهنـد ما نه‌تنها به آنها نه نمی‌گوییـم؛ بلکه برعکس خیلـی راغـب هسـتیم که کارهای کوتاه‌شان را ببینیم و فیلمنامه‌شـان را بخوانیم. خیلـی خوشـحالم کـه فیلم‌اولی‌هـا اینقـدر خوب هستند.

شما با شخصیت «هما»ی سـریال پایتخت شـناخته شدید.

بله، آن کار از سـال ۸۹ شروع شد. از اینکه در تلویزیون کار کرده‌ام پشیمان نیستم و خیلی هم پایتخت و هم گروه تولید این سـریال و نقشی را که بازی کـرده‌ام، دوسـت دارم. ولـی در کل تلویزیـون این سـال‌ها مخصوصا این اواخر، رویه‌اش فرق کرده اسـت. در کارهایی که من کار کرده‌ام تهیه‌کننده، اسپانسر از بیرون می‌آورد. در واقع پول تولیـد آن مجموعه را یک کمپانی خصوصی می‌دهد.

زمانی که سـریال «مـن مسـتاجرم» را با پریسـا بخـت‌آور کار کردید اسپانسـری در کار نبـود، حضـور اسپانسـر در سال‌های اخیـر چـه تاثیـری بر بازی بازیگران گذاشته است؟

قاعدتـا به‌عنـوان یک بازیگـر بایـد سـعی کنم تاثیـری در کارم نگذارد، چـون من باید آن نقش را زندگـی کنـم و کاری هـم نـدارم کـه آن پول از کجا مـی آید ولی الان خیلـی پیش می‌آید کـه من آلت تبلیغ کمپانی‌ای شـده‌ام؛ یعنی هر یک جمله در میان من باید اسـم یک شـرکتی را ببرم.

آیا این اسـامی یا دیالوگ‌های مربوط به اسپانسر از قبل در فیلمنامه نوشته می‌شود؟

هم در فیلمنامه هست و هم بداهه از ما می‌خواهند این کار را انجام دهیم. البته من اشکالی در این باره نمی‌بینم. در دنیا این کار مرسـوم است؛ ولی به صورت فکر شـده و ظریف‌تر. ما آنقدر اسـم یک شـرکتی را در مجموعه‌ای می‌بریم که ضدارزش می‌شـود؛ یعنی مخاطب متوجه می‌شود ما کار تبلیغاتی می‌کنیم. این کار باید آنقدر نامحسوس باشد که در ناخودآگاه بیننده بنشیند؛ بدون آنکه حس کند ما داریم تبلیغ می‌کنیم.

بگذریم، برگردیم بـه فیلم «ابد و یک روز»، منتقـدان سـینما ایـن فیلم را سـیاه‌نمایی توصیف کرده‌اند. نظر شما چیست؟

به هر حال این فیلم، فیلم تلخی است، ولی به نظر من سیاه‌نمایی نیست. فیلم درباره تلخی‌هایی اسـت که در جامعه ما وجود دارد؛ به وفور هم وجود دارد. بازگو کـردن مشـکلات و معضلات خانوادگی اصلا اشـکال ندارد. شـاید یک نفر به دلیل سلیقه‌اش بگوید چون این فیلم خیلی تلخ است من اصلا آن را دوسـت ندارم. مـن این موضوع را درک می‌کنـم. ولی سـیاه‌نمایی؛ یعنی چیزی را که اصلا وجود ندارد، نشـان دهیم.

پس از اینکـه در فیلمی بازی کرده‌اید که این همه سـیمرغ گرفته است، این موضوع در روند کاری شما چه تاثیری گذاشته است؟

همیشه سعی می‌کنم در کارهایی بازی کنـم که خودم با نقش‌ها ارتباط برقرار کنـم و از بـودن در آن مجموعه لذت ببرم. از قدیم ایـن تاثیرات بوده و در آینده هم خواهد بـود. نمی‌گویم همه کارهایی کـه من در آنها بازی می‌کنم، سـیمرغ می‌گیرند امـا حداقل از بودن در آنها پشـیمان نیسـتم؛ یعنی در آن زمانـی کـه کار می‌کنـم خـودم فکر می‌کنم در حال بـازی در کار خلاقانه جدیدی هستم.

جـدا از اینکه طناز طباطبایی نسـبت به سـیمرغی کـه بـه پرینـاز ایزدیار داده شـده، معترض بوده است، جاهای زیادی شـنیده‌ایم که این سیمرغ حق ایزدیـار نبوده اسـت. تنها دلیل‌شـان هم ایـن بوده که بازیگران همه در یک سطح بوده‌اند. نظر شما چیست؟

مـن هم اعتقـاد دارم همـه بازیگران خـوب بوده‌انـد؛ حتـی بازیگرانـی کـه یک سـکانس بـازی کرده‌اند هم خوب بوده‌اند ولی معتقد نیسـتم این جایزه حق ایشـان نبوده اسـت. به هر حـال ایشـان نقـش اصلـی کار ما را بازی کرده‌اند. سـمیه تقریبـا در همه سکانس‌ها وجود دارد.

سـینما

مشارکت دانشگاه آزاد اسلامی در برگزاری جشنواره «روح‌الله»

دعوت از ۱۱۴ فیلمساز

گـروه ادب و هنـر: یکـی از مهم‌ترین بخش‌های مغفول‌مانده در سـینمای ایـران پرداختـن به شـخصیت امام خمینی(ره) اسـت کـه هنوز فیلمی ماندگار و تاثیرگذار درباره بنیانگذار جمهوری‌اسـلامی نمی‌توان مثل زد و یکـی، دو فیلمـی نیز که سـاخته شده اسـت، آثار قابل‌تاملی نبوده‌اند. حالا موسسـه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) بنا دارد جشـنواره‌ای را برگزار کند که مختص فیلم‌های کوتاه با موضوع بنیانگذار جمهوری‌اسلامی اسـت. صبح دیروز کمـال تبریزی به موسسـه تنظیم و نشـر آثار امام خمینـی(ره) رفـت تا در نشسـت خبـری نخسـتین جشـنواره فیلم کوتاه «روح‌الله» حمایتـش را از این جشـنواره اعـلام و از مغفول‌ماندن بخشی از شـخصیت امام انتقاد کند و بگویـد: «خوشـحالم کـه پس از سال‌ها تعطیلی جشنواره فیلم «آیین و آفتاب»، جشنواره دیگری با محوریت سیره، آثار و اندیشه‌های حضرت امام خمینی (ره) برگزار می‌شـود. برپایی این جشـنواره باعـث پیوند هرچه بیشتر جوانان به‌ویژه فیلمسازان نسل جدید با اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌شود. برپایی جشنواره‌ای با نام امام خمینی (ره) باید سال‌ها پیش‌تر اتفاق می‌افتاد اما هنوز هم دیر نشده است. من مطمئنم این جشنواره تاثیر مفیدی بر جامعه می‌گذارد.» کارگردان فیلم «امکان مینا» به لزوم بسط هرچه بیشتر اندیشه‌های امام خمینی(ره) در میان عامه مردم اشاره کرد و گفت: «زوایای بسیاری از اندیشه‌ها و شخصیت امام اکنون مغفول مانده است که امیدوارم این جشـنواره آنها را عیان کند و به میان مردم به‌ویژه نسـل جدید ببرد. من خودم و شـخصیت هنـری‌ام را مدیون انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسـلامی، حضرت امام خمینی (ره) می‌دانـم. امیدوارم جشـنواره باعث جذب هرچه بیشتر جوانان سینماگر به محورهای معرفتی انقلاب اسلامی شـود.» بنـا برگفته محمـد آفریده، دبیر نخستین جشـنواره فیلم کوتاه «روح‌الله» این جشـنواره به مناسبت صدوچهاردهمین سال تولد حضرت امام خمینی (ره) سـفارش سـاخت ۱۱۴ فیلم کوتاه را به فیلمسازان داده است. تقدیر از احمدرضا درویش از دیگر برنامه‌های این جشنواره است.

کافه گالری

آن‌ها

گروه ادب و هنر: این روزها نمایشگاه گروهی «آن‌ها» در کافه گالری لومانو برپاست که از ۱۷ اردیبهشت شروع شده و تا ۲۴ اردیبهشت ادامه دارد. در این نمایشگاه، منتخبی از آثار اعضا با محوریت موضـوع «آن‌ها» برگزیده شـده که نگاهی مفهومی به جامعه و انسـان دارد. در طول نمایشـگاه اجرایی از ترکیب موسـیقی و رنگ از نگاه مخاطب با هدف اشـتراک و ثبـت تعریف به صورت نوشـتاری و بصـری مفهوم آنهـا تحت‌عنوان سـه پایه اخرایی استفاده شده است. این نمایشگاه شـامل آثاری از گروه هنری رفلکت (انعکاس) اسـت که فعالیت خود را از سـال ۱۳۹۲ آغاز کرده اسـت و حالا بنابر گفته افسانه مسـگرزاده این گروه با ۱۰ هنرمند اعضـای حاضر خـود از تابسـتان سـال ۹۴ به صورت جدی به رشته هنرهای تجسمی پرداخته است.